

میرزا کوچک خان مبارز مسلمان

← پاسخ به شبهاتی که در این سال ها درباره

میرزا کوچک خان جنگلی مطرح کردند

[خبرشهروند] امروز مصادف است با ورق خوردن برگی دیگر از صفحات دردناک تاریخ معاصر ایران؛ زمانی که نیروهای سردار سپه (رضا خان) وارد گیلان شدند و مبارزان نهضت جنگل را عقب راندند. میرزا کوچک خان در حالی که به همراه یکی از یارانش قصد گذر از کوه‌های تالش را داشت، در سرما گرفتار شد و در چنین روزی (۱۳۰۰/۹/۱۱) جان سپرد. او یکی از مبارزان این آب و خاک علیه استبداد و استعمار و خواهان حفظ تمامیت ارضی ایران بود. هرچند در سال‌های اخیر عده‌ای ناآگاهانه یا عامدانه تلاش کردند تفکرات او را کمونیستی جلوه بدهند! یا اینکه میرزا کوچک خان را از طرفداران جدایی طلبی قلمداد کنند! این‌ها در واقع مهم‌ترین شبهه‌هایی بود که علیه این مبارز نستوه ایجاد کردند. در این گزارش با استناد به کتاب‌ها و روایات مختلف درباره میرزان کوچک خان، به این شبهات پاسخ داده‌ایم. مطالب گزارش مستند است به کتاب‌های «سردار جنگل» نوشته ابراهیم فخرایی، «میلاذ زخم» به قلم خسرو شاکری، «اولین جمهوری شورایی ایران (نهضت جنگل)» نوشته شاپور رواسانی و آثار دیگری که هر کدام جداگانه ذکر شده‌اند. همچنین گزارش مفصل مرکز بررسی اسناد تاریخی درباره شبهاتی که درباره میرزا کوچک خان مطرح کرده‌اند.

آیاتی که میرزایی‌ن دونما می خواند

با بررسی اسناد و داده‌های تاریخی می‌توان به روشنی پی برد یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های قیام میرزا کوچک خان، اسلامی بودن آن بود. خودمیرزایک مذهبی تمام‌عیار بود. چنانچه در کتاب «میلاذ زخم» آمده‌است: «هیچ‌گاه واجباتش ترک نمی‌شدو از نماز وروزه قصور نمی‌کردو در بین دونما، آیات «ومن یتوکل علی الله فهو حسبه وقل اللهم مالک‌الملک‌والتحسین‌الذین‌قتلوا فی سبیل‌الله...رازمزمه می‌کرد.»

کتاب «میلاذ زخم» نوشته خسروشاکری

شهروند: «ومن یتوکل ...» بخشی از سومین آیه شریفه سوره مبارکه بلاق است: «و هرکس که به خدا توکل کند، خداوند او را بس خواهد بود.» همچنین «و قل اللهم...» بخشی از آیه ۲۶ از سوره آل عمران است: «و بگو ای خداوندی که صاحب فرمانروایی هستی...»، همچنین «و لا تحسین الذین...» بخشی از آیه ۱۶۹ سوره آل عمران است: «گمان نکنید آن‌ها که در راه خدا کشته شده‌اند مرده‌اند بلکه زنده‌اند و نزد خداوند خود روزی داده‌می‌شوند.»

حمایت‌علمای اسلام از میرزا

فخرایی همچنین در کتاب «میلاذ زخم» می‌نویسد: «میرزا دارای افکار مذهبی بود و به همین جهت کمونیزم را با افکارش سازگار نمی‌دید...» به همین دلیل مورد حمایت علمای اسلام بود. در کتاب «چهارده قرن تلاش شیعه» آمده‌است: «مرکز ثقل و مغز متفکر جنگل را هیئت اتحاد اسلام تشکیل می‌داد که افرادی به استثنای چند نفر، همه از علما و روحانیون بودند.» در یکی از شماره‌های روزنامه جنگل نیز تصریح شده بود: «دیانت‌حقه محمد به‌راپایدا تعرض انگلیس وهم‌قطارانش...م محفوظ نمود.»

کتاب «چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن وتوسعه

نوشته روح‌الله‌حسینیان

ناچاری میرزا در سازش با شوروی

با این وجود عده‌ای همکاری کوتاه‌مدت میرزا کوچک با حزب کمونیستی عدالت را- که بعدها به حزب کمونیست ایران تغییر نام داد- دلیلی برگرایش او به کمونیسم تلقی می‌کنند. این در حالی است که به‌اذعان منابع و تحقیقات انجام شده، میرزا از روی ناچاری با فرمانده نیروهای شوروی وارد مذاکره شد. به‌تعبیر ابراهیم فخرایی: «نهضت جنگل ... از سازش با نیروی سرخ، هدفی جز طرد مداخلات نامشروع و خانه‌تکانی و برانداختن کاخ ستم‌و نیل به حقوق ملی وساختن یک ایران آزادو آباد نداشته‌است.»

کتاب «سردار جنگل» نوشته ابراهیم فخرایی

شرط میرزایی همکاری با بلشویک‌ها

جالب است بدانید از شروط میرزا برای همکاری با بلشویک‌های شوروی این بود که آن‌ها در کارهای داخلی جنگل مداخله نکنند... واز تبلیغات کمونیستی اجتناز جویند، درحالی‌که بی‌شک از دیدگاه یک کمونیست، ممانعت از تبلیغات کمونیستی، خیانت به این آرمان محسوب می‌شود. اما یکی از شروط اساسی میرزا برای همکاری با حزب عدالت، عدم تبلیغات مرام اشتراکی بود.

کتاب «ایران در جنگ بزرگ» نوشته مورخ الدوله سپهر

شهروند: به اکثریت اعضای حزب سوسیال دموکرات روسیه که بعد از براندازی تزار، قدرت را به دست گرفتند و طرفدار لنین بودند، بلشویک می‌گفتند. در هدایت دولت انقلابی جنگل، دو نظریه نقش محوری داشت:۱. نظریه بلشویکی حزب عدالت ۲. نظریه ملی و اسلامی میرزا کوچک خان. با ورود اعضای حزب عدالت (حزب کمونیست ایران) به جنبش، نظریه نخست که از حمایت دولت شوروی برخوردار بود، توانست بر نظریه دوم فائق شود اما میرزا کوچک خان که این موضوع را با عقاید خویش سازگار نمی‌دید، به مخالفت با آن تشکیلات پرداخت. به‌همین دلیل بود که بعضی اعضای حزب عدالت با او سر ناسازگاری داشتند. ضمن اینکه در میان شان بعدها عده‌ای نیز به میرزا خیانت کردند.

تحقیقات ایران شناس روس چه می‌گوید؟

طبق تحقیقات م. س. ایوانف (ایران شناس شهیر روس)، هنگامی که حزب کمونیست ایران، برخلاف توافق سران اعزامی شوروی و سران جمهوری گیلان، تبلیغات مرام کمونیستی و مخالف با مذهب را آغاز کرد، میرزا بعد از درگیری با کمونیست‌های حزب عدالت «بی‌درنگ به در هم کوبیدن سازمان‌های کمونیستی در رشت و انزلی پرداخت.»

کتاب «تاریخ نوین ایران» نوشته م. س. ایوانف

ترجمه هوشنگ تیرایی و حسن قاسم‌پناه

مسلمان باید دفاع کند

تاکید میرزا بر وجه اسلامی قیام، در پاسخ او به صاحب منصب روسی قزاقخانه کاملاً هویداست. هنگامی که وثوق الدوله با اعمال فشار روس‌ها، نیرویی مجهز به فرماندهی تک‌اچین کف (صاحب منصب روسی قزاقخانه) از تهران به رشت اعزام داشت، قبل از درگیری با لشگریان جنگل، نامه‌ای به میرزا نوشت و کوشید با تطمیع و تهدید، او را تسلیم کند. پاسخ میرزا این بود: «در قانون اسلام مدّون است که کفار وقتی به ممالک

اسلامی مسلط شوند، مسلمان باید به مدافعه برخیزند.»

کتاب «چهارده قرن تلاش شیعه برای ماندن وتوسعه»

نوشته روح‌الله‌حسینیان

نامه میرزا کوچک خان به لنین چه بود؟

میرزا کوچک خان پس از ورود به رشت و پیش از تأسیس جمهوری نیز، طی نطقی با تکیه بر مفاهیم دینی و اسلامی، به توصیف روند مبارزه پرداخته بود. او کاملاً آگاه بود که مرام اشتراکی ضد اسلام است و در بین ایرانیان هرگز جایگاهی نخواهد یافت. میرزا در نامه مهم و تاریخی خود به لنین، رهبر انقلاب روسیه (که هرگز بدان پاسخ داده نشد) به این مهم تأکید کرد و نوشت: «پروپاگاندهای اشتراکی [تبلیغات کمونیستی] در ایران عملاً تأثیرات سوء می‌بخشد زیرا پروپاگانچی‌ها از شناسایی تمایلات ملت ایران عاجزند. من...گفتم که ملت ایران حاضر نیست برنامه روش بلشویزم (بلشویسم) را قبول کند؛ زیرا این کار عملی نیست و ملت را به طرف دشمن سوق می‌دهد...» و بار دیگر تأکید می‌کند که «قرارداد مان با نمایندگان روسیه این بود که مسلک اشتراکی بین‌اهالی پروپاگاندا تبلیغ نشود.»

کتاب «سردار جنگل» نوشته ابراهیم فخرایی

آن‌ها که به دنبال تجزیه ایران بودند...

نقشه تجزیه ایران به بخش‌های قابل نفوذ از اصلی‌ترین سیاست‌های دول استعماری بوده‌است. با تورق در اسناد می‌توان دریافت که درباره نهضت جنگل نیز این موضوع از سوی کمونیست‌ها القا می‌شد. در نامه‌ای که به تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۹ از سوی حزب کمونیست روسیه خطاب به رهبر نهضت جنگل ارسال می‌شود، میرزا به عنوان سردمدار مبارزه با انگلیس معرفی شده و از «جمهوری مستقل جنگل» تجلیل به عمل می‌آید. این موضوع وقتی بیشتر نمایان می‌شود که توجه کنیم با اعمال قدرت کمونیست‌ها، شخصی چون جعفر پیشه‌وری (که طی سال‌های بعد بنای تجزیه و خودمختاری در تبریز گذاشت) در لایه‌های رهبری نهضت جنگل داخل شد. به‌تعبیر ایوانف «در سازمان‌های رهبری کننده‌آن‌ان، عناصر خائن و چپ‌تندرو نفوذ کرده بودند.»

کتاب «اولین جمهوری شورایی ایران (نهضت جنگل)» نوشته شاپور رواسانی

برادران اسلامی ما مقدم خواهند بود

با این وجود، تلاش برای حفظ تمامیت ارضی ایران یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مبارزاتی کوچک خان بود. روزنامه جنگل (رسانه آن روزهای نهضت جنگل) در شماره ۲۸ خود، ذیل عنوان «ما چه می‌گوییم؟» درباره اهداف مبارزاتی جنگل‌ها آورده: «...ما قبل از هر چیز طرفدار استقلال مملکت ایرانیم. استقلال به تمام معنای کلمه. یعنی بدون اندک دخالت و نظریاتی از هیچ دولت اجنبی. و از این نقطه نظر تمام دول اجانب چه همجوار چه غیر همجوار یکسان است. با هیچکس نظر دوستی و دشمنی نداریم. با دوست ایران دوستیم و با دشمن این آب و خاک با تمام خصومت دشمن [هستیم].» در ادامه همین یادداشت تأکید شده‌است: «به حکم اینکه ما ایرانی هستیم...حفاظت این آب و خاک و وطن مقدس ایرانیان در نظر ما بر تمام بلاد و ممالک اسلامی مقدم است. و بعد از موفقیت به انجام وظایف ایرانیّت، البته برادران اسلامی ما مای که به وظایف اخوت خود عمل کنند بر دیگران مقدم خواهند بود.»

روزنامه جنگل، شماره ۲۸، فروردین ۱۳۹۷

آیا نهضت جنگل قصد تجزیه گیلان را داشت؟!

در اکثر اعلامیه‌های نهضت جنگل همواره از لفظ «کشور ایران» استفاده می‌شد و خطاب نامه‌ها به «ملت ایران»، «مردم ایران»، «عموم زنجیران و زحمتکشان ایران»، «اهالی ایران» و... است. از این رو اگر جنبش جنگل قصد تجزیه گیلان را داشت طبیعتاً می‌بایست «مردم گیلان» را خطاب قرار می‌داد نه «ملت ایران». میرزا در دومین نامه‌اش



آرامگاه میرزا کوچک خان جنگلی در رشت



خطاب به نماینده دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست روسیه، بر وطن دوستی تأکید کرده می‌نویسد: «من عاری از شرفی ام دانم کسی را که حقوق حاکمیت و استقلال مملکت را فدای شغل و مقام کند... من استقلال ایران را خواهم نام و بقیای اعتبارات کشور را طالبم.»

کتاب «سردار جنگل» نوشته ابراهیم فخرایی

همه بر وطن دوستی میرزا شهدا می‌دادند

علاوه بر این بسیاری از نویسندگان و صاحب‌نظران که به نوعی با نظرات و دیدگاه‌های میرزا کوچک جنگلی آشنایی داشتند ادعان می‌کنند که او خواستار حفظ تمامیت ارضی کشور بود. به نوشته یحیی دولت‌آبادی: «میرزا کوچک خان مردی است... دوستدار عالم اسلامیت و طرفدار استقلال و آزادی ایران و مخالف حکومت‌های استبدادی خودی و بیگانه.» شاپور رواسانی نیز معتقد است: «میرزا و یارانش با هر نوع فکر تجزیه طلبی و جدایی از کشور مخالف بودند و هدف اصلی شان که باها اعلام می‌شد به دست آوردن استقلال و آزادی برای کل جامعه ایرانی بود، نه یک منطقه.» بنا به گفته ابراهیم فخرایی: «میرزا و دیگر یارانش هیچ‌گاه به این مسئله [جدایی طلبی] نمی‌اندیشیدند، زیرا معتقد بودند اعلام خودمختاری نوعی پراکندگی و تجزیه مملکت است.» عارف قزوینی (شاعر) هم لقب «میهن پرست» را برای جنگلی‌ها مناسب دانسته و درباره نیات و اهداف نهضت جنگل نوشته بود: «یکی از تشکیلات به‌جا و به‌موقع که خدمات بسیار گران‌بهایی به آزادی و استقلال ایران کرده، همانا تشکیلات مقدس و سوسمند و میهن پرستانه فدائیان جنگل تحت سرپرستی میهن دوست نامی، شادروان میرزا کوچک خان جنگلی است.»

کتاب «نهضت جنگل و تاریخ‌نگاری غرض آلود» نوشته علی‌دوانی

نظر ژنرال انگلیسی درباره میرزا

خارجیانی که به نوعی با نهضت میرزا در ارتباط بوده و یا از آن شناخت داشتند هم نظرات جالبی درباره وطن پرستی جنگلی‌ها ابراز می‌کنند. چالرز ماری، کشیش و مبلغ مسیحی مقیم رشت، میرزا را وطن پرستی صادق می‌خواند. ژنرال دنسترویل، فرمانده نیروهای مسلح انگلیس در ایران که در جریان عبور از گیلان به قفقاز، خاطرات تلخی از مواجهه با جنگلی‌ها و کوچک خان دارد، «وطن پرستی» میرزا را ستایش کرده و درباره او می‌نویسد: «به عقیده من میرزا کوچک خان از وطن پرستان حقیقی است و امثال او در ایران نادر و کمیاب است...» به اعتقاد این ژنرال انگلیسی، یکی از دیدگاه‌های مهم کوچک خان این بود که «ایران مال ایرانیان است.» و از این جهت در برابر زیاده خواهی قدرت‌های بیگانه می‌ایستاد.

کتاب «امپریالیزم انگلیس در ایران و قفقاز»

(یادداشت‌های ژنرال ماژوردن نسترویل) ترجمه حسین انصاری

حکم شهید مدرس در باره میرزا

از دیگر اسناد معتبر در رد ادعای شبهه افکنان علیه نهضت جنگل و میرزا کوچک، دست‌نوشته شهید آیت‌الله سید حسن مدرس است. هم‌زمان با مبارزات نهضت جنگل و هجمه‌های داخلی و خارجی علیه میرزا و یارانش، جمعی از مسلمانان درباره ماهیت نهضت جنگل از شهید مدرس استفتاء کردند. مرحوم مدرس در جمادی الثانی ۱۳۳۸ (اسفند ۱۲۹۸) در پاسخ مرقوم کرد: «...حقیر از آقای میرزا کوچک خان و از اشخاصی که صمیمانه و صادقانه با ایشان هم آواز بودند، نیت سوئی نسبت به دیانت و صلاح مملکت نفهمیدم؛ بلکه جلویی را از دخالت خارجه و نفوذ سیاست آن‌ها در گیلان، عملیاتی بوده بس مقدس که بر هر مسلمانی لازم [است]. خداوند همه ایرانیان را توفیق دهد که نیت و عملیات آن‌ها را تعقیب و تقلید نماید. پرا واضح است که طرفیت و ضدیت و محاربه با همه چه جمعیتی، مساعدت با کفر و معاندت با اسلام است...» چنانچه مشخص است، این عالم نامدار عصر با ذکر این مهم که نهضت جنگل هیچ‌گونه «نیت سوئی نسبت به دیانت و صلاح مملکت) ندارد، میرزای جنگلی را از دو اتهام فوق (یعنی تعلقات کمونیستی و نیات تجزیه طلبانه) معبرادانسته و از این بالاتر ضدیت با آن جنبش را به‌مثابه «مساعدت با کفر و معاندت با اسلام» تلقی کرده‌است.

کتاب «نهضت جنگل به روایت اسناد وزارت امور خارجه» نوشته رقیه‌عظیمی

اهمیت تمامیت ارضی ایران

نتیجه اینکه رویکرد اسلامی و دفاع از استقلال و تمامیت ارضی ایران از مهمترین خطوط سیاست میرزا کوچک خان جنگلی محسوب می‌شد. اما این خط مشی با نفوذ اعضای حزب کمونیست به جریان نهضت، دچار خدشه شد. سردار جنگل زمانی که پی برد خطر انحراف نهضت جدی است، در گفتار و کردار کوشید تا از دو مؤلفه نهضت خویش یعنی اسلام و استقلال کشور پاسبانی کند. به‌تعبیر شاپور رواسانی: «در جنبش گیلان، استقلال و آزادی به صورت دفاع در برابر استعمار و طبقات حاکم مطرح بود. جنبش جنگل به‌رهبری میرزا باره‌ر نوع دخالت خارجیان در امور داخلی ایران از استقلال و تمامیت ارضی ایران آن‌چنان که خواست مردم بود دفاع نمود. در انقلاب گیلان مسئله دین اسلام و مذهب شیعه به‌صورت وسیع مطرح شد و برای نهضت جنگل عامل مهم اجتماعی استقرار وحدت گردید.»

کتاب «اولین جمهوری شورایی ایران (نهضت جنگل)» نوشته شاپور رواسانی